

CIGI وقتی کانادا پیشگام تولید پهپاد بود

عملیات تار عنکبوت که طی ۱۸ ماه برنامه‌ریزی شد، یکی از جسورانه‌ترین حملات پهبادی تا به امروز است. به‌گفته‌منابع دولت اوکراین، یک‌سوم از ناوگان استراتژیک بمب‌افکن ولادیمیر پوتین که در چهار پایگاه هوایی قرار داشت، در یک حمله نابود شدند. این سطح از دقت و جاه‌طلبی همینطوری به‌دست نیامده. از فوریه ۲۰۲۲ که صفوف عظیم و مسلح روسیه به سمت کی‌یف آمدند، اوکراین به بزرگترین مبتکر جنگ پهبادی تبدیل شده است. اوکراین با دشمنی بزرگتر با ظرفیت نظامی بیشتر روبه‌رو شده بود و به پاسخی نامتقارن نیاز داشت؛ اساساً شیوه‌ای کم‌هزینه برای مقابله با تانک‌ها، مراکز فرماندهی و حتی کشتی‌های نیروی دریایی. آنها ابتدا سراغ پهپادهای بیرق‌دار ساخت ترکیه رفتند اما امروز توانسته‌اند این دستگاه‌های کوچک را به صنعت ملی تبدیل کنند که برای کشف و حمله به اهداف بزرگ ساخته می‌شوند. اوکراینی‌ها در سال ۲۰۲۴، بیش از یک میلیون پهپاد تولید کردند. کرملین هم سعی کرده عقب‌نماند، از ایران و چین پهپاد دریافت می‌کند و حتی هم‌اکنون نسخه‌خود از پهپادهای ایران را تولید می‌کند؛ به‌طور انبوهی تولید می‌شوند. حملات پهپادی روسیه علیه اوکراین در سال ۲۰۲۵ شدت گرفتند. در اواخر ماه مه روسیه در یکی از حملات خود از ۲۵۵ پهپاد استفاده کرد. یک ماه بعد در حمله دیگری از ۳۵۵ پهپاد. جنگ اوکراین که یکی از جدی‌ترین و طولانی‌ترین درگیری نظامی از زمان جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌رود، این کشور را به بزرگترین آزمایشگاه استفاده از پهپادها تبدیل کرده است. برای ارتش کانادا، جنگ اوکراین هم به نقشه‌سراه و هم هشدار بیدارکننده‌ای برای استفاده از پهپادها تبدیل شده است. لائوای جایی است که کانادا بریگارد چندملیتی ناتو را هدایت می‌کند و آزمایشگاهی برای سلاح‌های کانادایی است. استقرار این نیروها که بزرگترین اقدام نظامی کانادا در خارج از کشور است، در همسایگی روسیه است. فاصله کم باعث شده تا کانادا به‌دنبال پهپادهای مسلح‌وسامانه‌های ضدپهبادی باشد تا بتواند از نیروهای خود محافظت کند و در عین حال از نزدیک تاکتیک‌های اوکراینی‌ها را در استفاده موثر از این زرادخانه بررسی کند. در هر درگیری مدرن، فناوری‌های جدید برای تغییر فضای میدان نبرد ظهور می‌کنند. به تانک‌های غول‌پیکر نسل اول فکر کنید که در جنگ جهانی اول از میان گل و لای و سنگ‌رها در فلاندرز حرکت می‌کردند، زیردریایی‌هایی که کشتی‌رانی جهانی را در هر دو جنگ جهانی تهدید می‌کردند؛ حملات موشکی آلمانی‌ها به لندن و بمب اتمی که در جنگ جهانی دوم بر هیروشیما و ناگازاکی فرود آمدند. جنگنده‌های اف ۱۶ سبیر در دوران جنگ کره. الان دوران پهپادهاست. رایج‌ترین سلاحی که به‌طور انبوه تولید می‌شود، ارزان است و برای عملیات‌های یکباره که سپس دور انداخته می‌شوند مورد استفاده قرار می‌گیرند. پهپادها که از نظر فناوری تغییردهنده بازی به‌شمار می‌روند، هیچ نمونه مشابهی نداشته‌اند. آنها شکل‌ها و سایزهای مختلفی دارند. از سائیز مینیاتوری و دستگاه‌هایی به اندازه کف دست که با پرانه‌های کوچک کاری می‌کنند تا هواپیماهایی بزرگ و بسیار مدرن. سابقه پهپادهای نظامی به کانادا برمی‌گردد. در سال‌های ۱۹۶۰، کلادایر (که الان به بمباردیه تغییر کرده) نمونه اولیه را از پشت یک وانت با تقویت‌کننده موشکی پرتاب کرد. فناوری در آن زمان محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کرد. این پهپادها فقط از مسیرهای از پیش برنامه‌ریزی‌شده می‌توانستند عبور کنند و برای نظارت از دوربین‌های فیلمی استفاده می‌کردند. این پهپادها با چرنجات به‌زمین‌بازی گشتند و کیسه‌هوایی برای فرود آنها تعبیه شده بود. این دستگاه‌ها CL-۸۹ نام داشت با استانداردهای امروز ابتدایی بود اما نشان داد که این پرنده‌های هدایت‌شده می‌توانند نقش بسزایی برای دیدبانی در جنگ سرد داشته باشند. این دستگاه از اولین پهپادهایی بود که از سوی نیروهای ناتو به کار گرفته شد. جانشین آن CL-۲۸۹ از نظر طراحی بازه بیشتر و قابلیت‌های تصویربرداری پیشرفت کرد که استفاده از آن تا سال‌های ۱۹۹۰ ادامه داشت. کانادا ایر در سال ۱۹۸۷، سامانه‌های پهبادی خود را به دولت‌های فرانسه و آلمان با سقف ۲۵ ساله واگذار کرد که در طول این دوران شرکت‌های کانادایی در فناوری نظامی پهبادی شناخته می‌شدند. اما بدون سرمایه‌گذاری یا تدارکات دولتی پایدار، این امتیاز اولیه کم‌کم محو شد.

بخش بزرگی از این اعتبار به خارج از کشور منتقل شد، در دهه ۸۰ به ابتکارات اسرائیلی‌ها در میدان جنگ و در دهه ۹۰ در آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. هر دو کشور زمینه را برای آینده پهپادها آماده کردند: سلاح‌های صیقلی و مجهز به حسگر. زمانی که کانادا پذیرفت که جنگ‌ها پهپادی شده‌اند، آن را با کشف مجدد قابلیتی انجام داد که زمانی به اختراع آن کمک کرده بود.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

ایالات متحده آمریکا از اوایل ماه سپتامبر تاکنون دست‌کم شش بار قایق‌های مظنون به حمل مواد مخدر در آب‌های ونزولا را هدف قرار داده که در پی آن دست‌کم ۲۶ نفر کشته شده‌اند. با این حال آمریکا هنوز هیچ شواهدی ارائه نکرده که این قایق‌ها به سمت آمریکا در حال حرکت بوده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزولا را مسئول قاچاق مواد مخدر به آمریکا می‌داند اما صادرات مواد مخدر از ونزولا نسبت به کشورهای همسایه‌اش، مثل کلمبیا فقط بخش کوچکی را در بر می‌گیرد. گزارش جهانی مواد مخدر سازمان ملل نشان می‌دهد که ونزولا در خاک خود کوکائین تولید نمی‌کند و از نظر حجمی، بخشی از مواد مخدر از این کشور ترانزیت می‌شود همانند اکوادور، برزیل، اسپانیا، هلند و بلژیک و حتی پاناما. اما مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکای گوید ایمییتی به گزارش سازمان ملل نمی‌دهد و حالا هم جایزه‌ای ۵۰ میلیون دلاری برای بازداشت مادورو به اتهام قاچاق مواد مخدر در نظر گرفته شده است. روز پنجشنبه ششمین حمله به یک کشتی مشکوک به حمل مواد مخدر اتفاق افتاد که طبق گزارش‌ها از میان خدمه این کشتی تعدادی سرنشین نجات پیدا کردند و در یک کشتی دریایی نگه داشته شده‌اند.

یک منبع به رویترز می‌گوید که این کشتی که روز پنجشنبه هدف قرار گرفت و به زیر سطح آب رفت احتمالاً یک نیمه‌زیردریایی بوده است؛ کشتی شبه‌زیردریایی که قاچاقچیان مواد مخدر برای اجتناب از شناسایی استفاده می‌کنند. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران تأیید کرد: «ما به یک زیردریایی حمله کردیم. این یک زیردریایی بود که مواد مخدر حمل می‌کرد که به‌طور ویژه برای حمل بار عظیمی از مواد مخدر است؛ فقط محض اطلاعاتتون می‌گویم». در شرایطی که انفجار قایق‌های تندرویی که به سمت تنگه «دهان اژدها» می‌روند نمی‌تواند مشکل مصرف مواد مخدر در آمریکا را حل کند، دولت ترامپ چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

هفته گذشته نیویورک‌تایمز گزارش داد که مادورو پیشنهاد گرفتن سهمی از نفت و دیگر ثروت‌های معدنی ونزولا را مطرح کرده تا با افزایش فشارها از سوی آمریکا مقابله کند. ترامپ روز جمعه در نشستی که با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین برگزار کرد، در پاسخ به سوال خبرنگاران که پرسید نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزولا «هر چیزی که در کشورش دارد، تمام منابع طبیعی» را برای کاهش تحریم‌ها پیشنهاد کرد، گفت: «شما درست می‌گویید، او همه‌چیز را پیشنهاد داده. می‌دانید چرا؟ چون نمی‌خواهد سر به سر آمریکا بگذارد.»

در این میان مقامات دولت ونزولا می‌گویند طرحی را پیشنهاد داده‌اند که براساس آن مادورو در نهایت برکنار خواهد شد. روزنامه میامی هرالد گزارش داد که دلسی رودریگز، معاون رئیس‌جمهور و برادرش، خورخه رودریگز که رئیس‌مجلس ملی ونزولاست، پیشنهاداتی را از طریق واسطه‌هایی در قطر ارائه کرده‌اند تا خود را به‌عنوان گزینه‌های «قابل قبول تر» به واشنگتن نشان دهند.

ترامپ این جملات را با بیان اینکه آمریکا در یک «درگیری مسلحانه» با کارتل‌های مواد مخدر قرار دارد، اعلام کرد و گفت از همان اختیارات قانونی استفاده می‌کند که دولت جورج دبلیو بوش پس از حملات یازده سپتامبر برای اعلان جنگ علیه ترور استفاده کرد.

تکرار تاریخ

تیرینیداد و توباگو، کشوری در دریای کارائیب است که با ونزولا ۴ مایل دریایی فاصله دارد. تنگه‌ای بسیار باریک موسوم به «دهان اژدها» این دو کشور را از یکدیگر جدای می‌کند که گذرگاهی بسیار زیبا اما به‌شدت خطرناک است که حتی به آن آب‌های زنده‌ای دریایی می‌گویند. دزدان دریایی یک تهدید واقعی برای ونزولا محسوب می‌شوند که دولت این کشور آن را بسیار جدی می‌گیرد. از زمانی که بحران اقتصادی در ونزولا آغاز شد، قاچاقچیان انسان، مواد مخدر و دزدان دریایی امنیت این تنگه را به خطر انداخته‌اند. با اینکه قاچاقچیان، انسان‌های خطرناکی به‌شمار می‌روند اما آنها در مقابل موشک هیچ دفاعی از خود ندارند.

اگر از دریچه تاریخی به این مسئله نگاه کنید، شاید بیشتر منطقی به‌نظر برسد. این اقدامات برگرفته از یک کتابچه راهنمایی است که ایالات متحده ۳۵ سال پیش برای برکناری دیکتاتور آمریکای مرکزی که از آن دل خوشی نداشت، به کار گرفته شد. مانوئل آنتونیو نوریگا مونرو، دیکتاتور نظامی پاناما و قاچاقچی مواد مخدر دستگیر شد و جورج بوش پدر اعلام کرد که برای او دادگاه منصفانه‌ای برگزار خواهد شد.

حالا هم مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا مصمم است تا برای بار دیگر از این کتابچه راهنما برای نیکولاس مادورو استفاده کند. مادورو در آمریکا به قاچاق مواد مخدر متهم است و از نظر سیستم قضایی آمریکا یک فراری محسوب می‌شود اما ۳۵ سال پیش چه اتفاقی افتاد؟ آیا مادورو باید نگران باشد که سرنوشت مانوئل نوریگا شامل حالش نشود؟

مت بون، خبرنگار ای‌بی‌سی در یادکست خود، «اگر گوش می‌کنی» می‌گوید که در شب سیزدهم سپتامبر ۱۹۸۵، فرنانکلین واراگاس کشوروز ۱۸ ساله اهل کاستاریکا برای پیدا کردن برخی از مرغ‌های مزرعه‌اش که فرار کرده بودند، کشت‌زنی می‌کرد. واراگاس در شهر کوچکی زندگی می‌کرد که از مرز کاستاریکا و پاناما فقط چند صد کیلومتر فاصله داشت. واراگاس که نتوانسته بود مرغ‌های گمشده را پیدا کند تصمیم گرفت به خانه برگردد که در رودخانه‌ای کوچک زیر یک پل چوبی چیزی نظرش را جلب کرد: یک جفت پای

آمریکای لاتین



اگر از دریچه تاریخی به این مسئله نگاه کنید، شاید بیشتر منطقی به‌نظر برسد. این اقدامات برگرفته از یک کتابچه راهنمایی است که ایالات متحده ۳۵ سال پیش برای برکناری دیکتاتور آمریکای مرکزی که از آن دل خوشی نداشت، به کار گرفته شد. مانوئل آنتونیو نوریگا مونرو، دیکتاتور نظامی پاناما و قاچاقچی مواد مخدر دستگیر شد و جورج بوش پدر اعلام کرد که برای او دادگاه منصفانه‌ای برگزار خواهد شد.

حالا هم مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا مصمم است تا برای بار دیگر از این کتابچه راهنما برای نیکولاس مادورو استفاده کند. مادورو در آمریکا به قاچاق مواد مخدر متهم است و از نظر سیستم قضایی آمریکا یک فراری محسوب می‌شود اما ۳۵ سال پیش چه اتفاقی افتاد؟ آیا مادورو باید نگران باشد که سرنوشت مانوئل نوریگا شامل حالش نشود؟

مت بون، خبرنگار ای‌بی‌سی در یادکست خود، «اگر گوش می‌کنی» می‌گوید که در شب سیزدهم سپتامبر ۱۹۸۵، فرنانکلین واراگاس کشوروز ۱۸ ساله اهل کاستاریکا برای پیدا کردن برخی از مرغ‌های مزرعه‌اش که فرار کرده بودند، کشت‌زنی می‌کرد. واراگاس در شهر کوچکی زندگی می‌کرد که از مرز کاستاریکا و پاناما فقط چند صد کیلومتر فاصله داشت. واراگاس که نتوانسته بود مرغ‌های گمشده را پیدا کند تصمیم گرفت به خانه برگردد که در رودخانه‌ای کوچک زیر یک پل چوبی چیزی نظرش را جلب کرد: یک جفت پای

عکس: Washington post

معماران تغییر رژ

دولت ترامپ از الگوی مشابه ۳۵ سال پیش برای مداخله

انسان. این پاها از یک کیسه بزرگ نامه که به زیر آب رفته بود بیرون آمده بودند. فرانکلین به سمت خانه می‌دود، پدرش را در جریان می‌گذارد و او هم به پلیس خبر می‌دهد. آنچه از آن کیسه بیرون کشیده بود، جسدی بدون سر یک مرد بسیار قدبلند سفیدپوست بود. خیلی زود مشخص شد که این جسد متعلق به دکتر هوگو اسپادافورا، معروف‌ترین رهبر اپوزیسیون پاناماست. جراحاتی که روی بدن اسپادافورا بود خشم عجیبی را نمایان می‌کرد. او ساعت‌ها تحت شکنجه شده و سرش را زمانی که همچنان زنده بود، به آرامی بریده شده بود. سر اسپادافورا هیچ‌وقت پیدا نشد. خیلی طول نکشید که مردم پاناما تصمیم گرفتند ژنرال مانوئل نوریگا را مقصر بدانند که دلایل آن را نفرت او از رهبر اپوزیسیون خوش‌تیپ و رقابت شخصی او با نوریگا می‌دانستند. آنها باور داشتند تنها کسی که می‌خواست اسپادافورا در زمان مرگش چهره دفرمه‌ای و از ریخت‌افتاده‌ای داشته باشد، ژنرال نوریگا است. نوریگا در سراسر زندگی‌اش به‌دلیل داشتن صورتی با پوست ناصافش مورد تمسخر قرار می‌گرفت. در دوران مدرسه تا بزرگسالی او به «صورت آناناسی» شناخته می‌شد. در عین حال اسپادافورا شباهت بسیاری به الویس پرسلی داشت. در هر صورت چهره و حتی رفتار بسیار ناخوشایند نوریگا او را از رسیدن به قدرت متوقف نکرد. او هیچ‌وقت مجبور نبود در رقابت محبوبیت برنده شود. ژنرال عمر تورخوس، الگوی نوریگا و افسری بسیار خوش‌تیپ بود که در سال ۱۹۶۸ با یک کودتای نظامی رهبر پاناما شد. زمانی که تورخوس از دنیا رفت، نوریگا جانشین او شد. نوریگا برای رسیدن به قدرت نیاز به رای هیچ‌کس نداشت و فقط باید کنترل ارتش را حفظ می‌کرد و برای آن کمک‌های بسیاری دریافت می‌کرد.

ژنرال نوریگا، رئیس نیروهای دفاعی پاناما و رهبر دوقلوتی پاناما یکی از متحدان کلیدی آمریکا بود که از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا موسوم به سیادستمدزمی گرفت. طبق شواهد موجود نوریگا به‌طور همزمان متحد کارتل‌های مواد مخدر نیز بود؛ کارتل‌هایی که تحت ریاست پابلو اسکوبار، قاچاقچی معروف کوکائین قرار داشتند. نوریگا با حمایت‌های سازمان سیا و پابلواسکوبار سیاستمداران دست‌نشانده خود را برای اداره دولت غیرنظامی انتصاب کرد.

رابطه نوریگا با آمریکا بسیار حیاتی بود. در آن زمان کانال پاناما، باریکه‌ای تحت کنترل آمریکا، این کشور را به دو نیم تقسیم کرده بود. این باریکه پر بود از سربازان آمریکایی و به‌عنوان مقر فرماندهی جنوبی ایالات متحده در نظر گرفته شده بود.

در دولت رونالد ریگان، فرماندهی جنوبی به هسته مرکزی جنگ واشنگتن علیه کمونیسم در آمریکای مرکزی تبدیل شد. از آنجا بود که آمریکایی‌ها ارتش‌های حامی این کشور، از السالوادور و هندوراس کمک خواست و گروه‌های ضدشورش را با این امید آموزش داد تا بتوانند دولت چپ‌گرای نیکاراگوئه را برکنار کنند.

خیلی‌ها از جمله نوریگا به تجارت مواد مخدر مشغول بودند



اما واشنگتن جنگ با کمونیسم را مهم‌تر از جنگ با مواد مخدر می‌دانست. این همان پیامی بود که هوگو اسپادافورا تلاش می‌کرد به جهان مخابره کند. او ادعا می‌کرد که گروه‌های ضدشورشی که برای برکناری حکومت نیکاراگوئه مبارزه می‌کنند، به تجارت کوکائین مشغول بودند و ژنرال نوریگا به آنها کمک و از آنها محافظت می‌کرد. این همان دلیلی بود که اسپادافورا را به کشتن داد. ممکن است که دستور یک متحد آمریکا برای کشتار وحشیانه یک مخالف سیاسی موضوع مهمی برای دولت کوننی آمریکا باشد (که می‌توان به قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار عرب-آمریکایی از سوی عربستان و تحکیم روابط ترامپ با مقامات عربستانی اشاره کرد) اما در سال‌های ۱۹۸۰ این موضوع اهمیت بسیاری داشت. این اقدام در دولت وقت باعث شد تا رویکرد متفاوتی در قبال پاناما اتخاذ شود. آنها ترجیح نمی‌دادند که دیکتاتورهای دست‌نشانده از کیسه‌های پستی آمریکایی برای حمل اجساد مخالفان استفاده کنند. بنابراین نوریگا را تحت‌فشار قرار دادند تا استعفا دهد. اعتراضات مردمی در پاناما آغاز شدند اما نوریگا از ترک قدرت امتناع کرد. هیچ دیکتاتوری روی کره زمین به اندازه نوریگا در برابر مداخله آمریکا آسیب‌پذیر نبود. ۶هزار سرباز نظامی و کارمندان غیرنظامی وزارت دفاع و خانواده‌هایشان در شهر پاناما (پاناما سیتی) زندگی می‌کردند. مقر فرماندهی جنوبی آمریکا فاصله بسیار کمی از محل سکونت نوریگا داشت. در ۱۰ کمتری خانه نوریگا یک پایگاه دریایی آمریکایی، یک پایگاه ارتش آمریکایی و دو پایگاه نیروی هوایی آمریکایی قرار داشتند. تنها امید نوریگا، مخالفت جهانی با امپریالیسم آمریکایی بود که فکر می‌کرد برای ماندن آمریکایی‌ها در پایگاه‌هایشان کافی خواهد بود. اما آمریکایی‌ها به جای حمله در اقدامی بی‌سابقه رهبر نظامی پاناما را در دادگاهی به قاچاق مواد مخدر متهم کردند. این اقدام باعث می‌شد تا کسی از اینکه آمریکا برای دستگیری یک قاچاقچی وارد عمل شود، اعتراضی نکند. این اولین اقدام آمریکا برای متهم کردن رهبر یک کشور خارجی برای ارتکاب به جنایت به‌شمار می‌رفت.

مصونیت رهبران کشورهای خارجی

به‌طور عمومی و طبق قوانین آمریکا رؤسای دولت‌های کشورهای خارجی مصونیت دارند. اما آمریکا استدلال کرد که این مصونیت شامل حال نوریگا نمی‌شود چون او از نظر قانونی رئیس‌جمهور پاناما نیست. در واکنش به این اتهام، اریک آرتورو دلوایه، رئیس‌جمهور قانونی پاناما از نوریگا روی برگرداند و تلاش کرد او را از قدرت خلع کند. نوریگا تلاش کرد دلوایه را برکنار کند که باعث شد او در پاناما مخفی شود و علناً از آمریکا درخواست مداخله نظامی کند. جورج بوش پدر اعلام کرد که بریگارد بزرگی برای کمک به نیروهای نظامی حاضر در پاناما ارسال می‌کند، با ورود بیشتر سربازان آمریکایی، نوریگا اعلام کرد که دیکتاتوری‌اش